

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال نوزدهم / دوره جدید / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۳۸-۴۹ (مقاله علمی - پژوهشی)

ناملے در اخبار من بلغ از منظر تاریخ گرایے نو

• سید سلیمان موسوی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)
m_soleyman@yahoo.com

• سید علی دلبری

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی
saddelbarii@gmail.com

• فرزانه اکبری

دانشجوی دکتری فقه جزایی دانشگاه علوم اسلامی رضوی
f.akbari20162020@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۷

چکیده

از دیرباز بررسیها درباره مفهوم دسته‌ای از احادیث با نام «اخبار من بلغ» در مطالعات فقهی و اصولی جریان داشته است. تفاوت‌های جزئی اما معنادار متون این روایات، نگارنده را بر آن داشت تا با رویکرد تحلیل متن این روایات را مورد بررسی قرار دهد. پیش از تحلیل متن رسیدن به متنی که از اصالت بیشتری برخوردار است ضروری است. کهن‌ترین منابع حدیثی موجود شیعه که اخبار من بلغ در آنان آمده است «محاسن برقی» و «کافی کلینی» اند. محاسن برقی که متقدم‌ترین منبع این روایات است ثواب بر انجام عمل را مقید به رسیدن آن ثواب از سوی رسول خدا(ص) کرده است؛ اما این قید در کافی و دیگر کتب بعدی وجود ندارد. با توجه به بررسی طرق و رجال سند، روشن شد آن دسته احادیثی که قید رسیدن ثواب از پیامبر اکرم(ص) را دارند از اصالت بیشتری برخوردارند. نظریه‌ای که بر اساس آن تحلیل متن انجام شد «تاریخ‌گرایی نو» است. این نظریه که از نظریات انتقادی تحلیل متن است، نوشته را سازه‌ای فرهنگی می‌داند؛ سازه‌ای که روایت‌گر و حاصل تأثیر و تأثر گفتمانها است. از این رو در جهت یافتن گفتمانهایی که اخبار من بلغ حاصل آنها است به سه گفتمان «جایگاه سخن پیامبر(ص) به عنوان تنها منبع معتبر دینی در میان اهل سنت»، «تسامح در اخبار مربوط به سنن و فضائل در میان اهل سنت» و «زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان در کنار اهل سنت» روبرو شدیم. با توجه به این سه گفتمان می‌توان در نظر گرفت که اخبار من بلغ در جهت مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با اهل سنت بیان شده باشد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌گرایی نو، اخبار من بلغ، گفتمان، اهل سنت، شیعیان.



۳۸

مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال نوزدهم
شماره ۶۰ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقدمه

«اخبار من بلغ» احادیثی اند که به خاطر داشتن عباراتی همچون «مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنْ الثَّوَابِ» به این عنوان شناخته می‌شوند. از این اخبار که در ادامه خواهند آمد، در مجموع شش برداشت شده است: حجیت خبر ضعیف در سنن و... که همان مفاد قاعده تسامح در ادله سنن است (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۷)؛^۱ ارشاد به حکم عقل نسبت به حسن انقیاد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۵۵؛ خوبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۹)، ترغیب مولوی به اعطای همان مقدار ثواب موعود بر عمل مستحب (شهیدی پور، ۱۳۹۵ش)، خبر از فضل الهی برای انجام دهنده عمل خیر نه استحباب مولوی عمل (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، صص ۳۶-۳۴)، جعل ثواب برای هر خبری به دلیل تحفظ بر مستحبات واقعی (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، صص ۱۵۵-۱۵۳) و جعل ثواب برای اخبار معتبر در صورت عدم تطابق با واقع (دلبری، ۱۳۹۹ش).

برداشت‌های صورت گرفته بیشتر نتیجه رویکردهای فقهی اصولی به این اخبار است؛ اما تحقیق پیش رو سعی دارد با رویکرد «تاریخ‌گرایی نو» (new historicism) به شیوه توصیفی - تحلیلی و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای برداشت خود از این اخبار را بیان کند.

تاریخ‌گرایی نو از جمله نظریات نقد ادبی است که در دهه هشتاد میلادی با تلاشهای استیفن گرین بلت (Stephen Greenblatt) و لوییس مونتروس (Louis Montrose) و تأثیر پذیرفته از افکار فوکو (Michel Foucault) پدید آمد (Mikics, 2007, p. 205; Vesser, 1989, Introduction). این نظریه بر خلاف «تاریخ‌گرایی

سنتی» (traditional historicism) که تمرکز اصلی‌اش بر تاریخ است و سعی می‌کند زندگی نویسنده یا دوره تاریخی که اثر در آن نوشته شده است را مورد مطالعه قرار دهد تا نیت نویسنده یا روح عصری که در آن متن نوشته شده است را دریابد، به خود متن نیز بها می‌دهد. از سوی دیگر توجه تاریخ‌گرایی نو به متن همچون «نقد نو» (new criticism) نیست که در آن متن مسئله‌ای فرازمانی و فرامکانی تلقی می‌شود و تاریخ را در فهم ادبیات به کنار می‌گذارد. تاریخ‌گرایی نو، نوشته را سازه‌ای فرهنگی می‌داند که روایت‌گر و حاصل تأثیر و تأثر گفتمانها است؛ یعنی شبکه‌ای از معناهای مختلف اجتماعی در زمان و مکانی که ادبیات نوشته شده است.

برای تاریخ‌گرایی نو هم متن (text) مهم است و هم فرا متن (context)، زیرا هر دو یکدیگر را خلق می‌کنند و همان‌طور که هویت فرد و اجتماع بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، نوشته و تاریخ نیز چنین رابطه‌ای دارند. تاریخ‌گرایی نو با بهره‌گیری از مفهوم «توصیف پرمایه» (thick description) در علم مردم‌شناسی به تحلیل اثر می‌پردازد. توصیف پرمایه به این معنا است که محصولی فرهنگی همچون آیینهای سنتی مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد تا علاوه بر روشن شدن معنای آن آیین، در میان مردم، عللی که موجب ایجاد چنین معنایی شده است را نیز تبیین کند. از این رو، کار تاریخ‌گرایی نو در تحلیل متن، بیان معانی است و بر خلاف تاریخ‌گرایی سنتی که ادعا می‌کند می‌خواهد بی‌طرفانه به متن بنگرد، تحلیل و تفسیر متن را کاملاً مسئله‌ای شخصی می‌داند و بی‌طرفانه نگاه کردن را غیرممکن می‌شمارد؛ زیرا خود تفسیر و تحلیل متن نیز متأثر از برهم‌کنش گفتمانهای موجود در فضای فرهنگی منتقد متن است. این نگاه شخصی نسبت به تفسیر متون در نزد تاریخ‌گرایی نو موجب می‌شود که تفاوتی میان متون ادبی و تاریخی وجود نداشته باشد؛ زیرا طبق این نظریه منتقد متن در پایان، تفسیری



۱. در این که ماهیت این قاعده چیست اختلاف وجود دارد. اگر از آن یکسان دانستن حجیت اخبار صحیح و ضعیف در سنن را برداشت کردیم مسئله‌ای اصولی است؛ اگر از آن برداشت استحباب برای عملی استفاده شود قاعده‌ای فقهی است و اگر از آن تنها ترتب ثواب و عقاب بر اعمال برداشت شود مسئله‌ای کلامی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، صص ۷۷-۷۶).



شخصی از متن ارائه می‌کند. در روش تاریخ‌گرایی نو، پژوهشگر علاوه بر توجه به متن اصلی، می‌کوشد دیگر متون هم‌عصر را نیز جمع‌آوری کند تا بتواند تأثیر و تأثر گفتمانها^۲ بر آن متن را نیز کشف کند (Tyson, 2015, pp. 269-280; Vesser, 1989.) (Introduction).

توضیحات بالا اهمیت به کارگیری تاریخ‌گرایی نو را در تحلیل متون دینی و حدیثی که موضوع این نوشتار است به خوبی روشن می‌کند. آنچه می‌توان آن را نقطه نقص مطالعات سنتی همچون دیدگاه‌های اصولی به متون حدیثی دانست عدم توجه به فضای فرهنگی صدور حدیث و همچنین فضای فرهنگی تحلیل‌گر و مفسر حدیث است. عدم توجه به فضای فرهنگی صدور حدیث همچون نگاه به یک عضو بدن انسان بدون در نظر گرفتن نقش دیگر اعضا در بدن است که موجب تقلیل‌گرایی در فهم حدیث می‌شود. عدم توجه به تأثیر فضای فرهنگی تحلیل‌گر حدیث نیز این باور را در افکار به وجود می‌آورد که تنها یک فهم از احادیث قابل قبول است و پذیرش تکثر آرا را رد می‌کند.

این پژوهش که به نقد روایات من بلغ از دید تاریخ‌گرایی نو می‌پردازد، نه تنها به مباحث حدیثی بی‌اعتنا نیست، بلکه از آن برای نقطه شروعی در پژوهش استفاده می‌کند. این تحقیق ابتدا با توجه به مباحث بازیابی منابع حدیثی و رجوع به کتب فهرست موجود، سعی در شناسایی منبع اصیل روایات و در نتیجه متن موثق روایات را دارد.^۳ پس از این مرحله با توجه به دیگر

۲. گفتمان یا discourse از واژه‌هایی است که از منظرهای مختلف معانی گوناگونی یافته است. منظور ما از گفتمانها در این بحث - همان‌طور که به طور اجمال گفته شد - شبکه‌ای از معانی اجتماعی است که در زمان و مکانی که متن نوشته شده وجود داشته؛ شبکه‌ای که کلام و نوشتار یا به طور کلی زبان، حاصل آنها و منتقل‌کننده آن معانی است.

۳. این روش بر خلاف روش فراگیر در میان متأخران است که تک تک افراد موجود در سند را از حیث وثاقت مورد بررسی قرار می‌دهند بدون اینکه توجهی به منبع اصلی اخذ روایت داشته باشد. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی روایات یونس بن ظبیر در کافی بر اساس بازیابی منابع» به نحو مبسوط به کارگیری این روش و تفاوت آن با روش سنتی را توضیح داده است.

متون هم‌عصر که اغلب حدیثی‌اند، گفتمانهای عصر صدور حدیث بازسازی می‌شوند تا در نهایت آشکار شود اخبار من بلغ حاصل چه گفتمانهایی در آن عصر است. پایان‌بخش این قسمت یادآوری این نکته است که تاریخ‌گرایی نو بر این باور است که برداشت مفسر و منتقد متن، نیز حاصل گفتمانهای موجود در فضای فرهنگی اطراف اوست، همچون برداشت نگارنده این متن که به بررسی این اخبار پرداخته است و فرد دیگری می‌تواند برداشت متفاوتی از این اخبار داشته باشد.

پیشینه بحث

اخبار من بلغ در درسهای خارج حوزه و نوشته‌های گوناگون غالباً با رویکرد فقهی اصولی مورد بررسی قرار گرفته که حاصلش همان شش نظری است که بیان شد. از جمله پژوهشهایی که به طور اختصاصی به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «بحثنی پیرامون اخبار من بلغ ۱ و ۲» از سید محمود شاهرودی؛ «تسامح در ادله سنن بحثی در اخبار من بلغ ۱ و ۲» از سید ابوالفضل میرمحمدی؛ «اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی احادیث من بلغ» از محمود کریمیان؛ «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار» از علی اکبر کلاتری.

آنچه پژوهش حاضر را از آثار دیگر در این زمینه متمایز می‌کند نگاه به این اخبار از زاویه تاریخ‌گرایی نو است که نه تنها می‌تواند افقهای جدیدی را پیرامون این اخبار نمایان کند بلکه می‌تواند رویکردی تازه در بررسی دیگر اخبار را در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

بررسی اخبار من بلغ

در میان منابع حدیثی موجود شیعه، کهن‌ترین کتبی که این احادیث را نقل کرده‌اند محاسن برقی و کافی کلینی‌اند. پس از ایشان صدوق، سید بن طاووس، ابن فهد حلی و حر عاملی از جمله عالمانی بودند که این احادیث را در کتب خود گزارش کرده‌اند. حر عاملی در وسائل‌الشیعه در بابی با عنوان «استحباب الإتیان

بِكُلِّ عَمَلٍ مَشْرُوعٍ رُويَ لَهُ ثَوَابٌ عَنْهُمْ (ع)،^۴ نُهَ حَدِيثٌ رَا كَرْدَ أَوْرَدَهُ كَه بِيَشْتَرِينَ تَعْدَادَ أَحَادِيثِ كَرَارِشِ شَدَه دَر يَك كِتَابِ اسْت. اَمَا اِيْشَان دَر كِتَاب «الْفَصُولُ الْمَهْمَه فَيَ أَصُولُ الْأَثْمَةِ» كَه تَكْمَلَه آي بِرِ وَسَائِلِ الشِّيْعَه اسْت مِي كُوِيْد كَه اَخْبَارِ دَر اِيْن بَارَه مَتَوَاتِرَ اسْت (حَر عَامِلِي، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۱۷).

الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و إبراهيم بن هاشم عن ابن أبي عمير و صفوان بن يحيى عن هشام بن سالم. و رواه أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن هشام بن سالم. و أخبرنا جماعة عن أبي المفضل عن حميد عن أبي العباس عبيدالله بن أحمد بن نهيك عن ابن أبي عمير عن هشام (طوسي، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹۳).

۱. بررسی طرق و متن اخبار محاسن و کافی^۴

کتابهای محاسن و کافی هر کدام دو روایت در این زمینه دارند که روایات این دو کتاب دو به دو با هم بررسی و مقایسه می‌شوند.

با توجه به این طرق می‌توان گفت روایت محاسن از کتاب هشام به نقل از علی بن حکم نقل شده است و روایت کافی از کتاب هشام به نقل از محمد بن ابی عمیر.^۷

بررسی اجزای دو روایت محاسن و کافی نیز ما را به شباهت بالای این دو روایت رهنمون می‌کند: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ = مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ»، «فَعَمَلُهُ = فَصَنَعَهُ»، «كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ = كَانَ لَهُ»، «وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمْ يَقُلْهُ = وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ».

۱-۱. دو روایت اول

در محاسن از هشام بن سالم از امام صادق (ع) این گونه نقل شده است: «[احمد بن ابی عبدالله البرقی] عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمَلُهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يَقُلْهُ».^۵

تنها تفاوت بین این دو حدیث که نشان از مسئله مهمی است، قید رسیدن ثواب از پیامبر (ص) در روایت محاسن است که در روایت کافی به طور مطلق بیان شده است. نقل کافی که روایت محمد بن ابی عمیر از

در کافی نیز از هشام بن سالم از امام صادق (ع) چنین گزارش شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ».^۶

بررسی نشان می‌دهد که هر دوی این روایات از اصل هشام بن سالم که از بزرگان مورد وثوق امامیه بوده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۳۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۹) نقل شده است؛ طوسی طرق خود به اصل هشام بن سالم را چنین بیان کرده است: «أخبرنا ابن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن

۷. با توجه به این طرق می‌توان گفت روایت موجود در محاسن در کتاب هشام بن سالم موجود بوده و سپس علی بن حکم آن را از کتاب هشام در کتاب خود آورده است و سپس احمد بن محمد برقی آن را از کتاب علی بن حکم در محاسن نقل کرده است. طریق نجاشی و طوسی به کتاب علی بن حکم به ترتیب اینچنین است که نشان از حضور احمد برقی در این طریق دارد: «له کتاب أخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال: حدثنا سعد بن محمد بن إسماعيل و أحمد بن أبي عبدالله عن علي بن الحكم بكتابه» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۷۴)؛ «له کتاب. أخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه عن أبيه عن محمد بن أحمد بن هشام عن محمد بن السندي عن علي بن الحكم. و رواه محمد بن علي عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم. و أخبرنا ابن أبي جید عن ابن الوليد عن الصفار و أحمد بن إدريس و الحميري و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۳). اما روایت کافی را می‌توان با توجه به طریق طوسی به کتاب هشام، مستقیم از خود کتاب هشام دانست؛ به ویژه اینکه سالها بعد اصل هشام در قرن هفتم در اختیار سید بن طاووس بوده است یا اینکه ابراهیم بن هاشم آن را در کتب خود آورده و کلینی از فرزندش علی بن هاشم آن را در کافی نقل کرده باشد.

۴. بررسیهای پیش رو در جهت تعیین نسخه اصیل اخبار من بلغ است نه تعیین یکی از وضعیتهای چهارگانه متداول در بررسیهای سندی.

۵. امام صادق (ع): هر کس به او از پیامبر (ص) چیزی از ثواب برسد و آن را انجام دهد پاداشش برای او خواهد بود هر چند رسول خدا آن را نگفته باشد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۵).

۶. امام صادق (ع): هر کس مقداری ثواب درباره چیزی بشنود و آن را انجام دهد برای او خواهد بود هر چند آنچنان نباشد که به او رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۷).





اصل هشام است نسبت به روایت محاسن دارای ضعف است. درباره محمد بن ابن عمیر گفته شده است که وی مدت زیادی در خفا و سپس زندان بود و خواهرش طبق یک نقل کتابهای او را دفن نمود و کتابها از بین رفت و طبق نقل دیگر آنها را در اتاقی قرار داد و در اثر باران نابود شدند. در نتیجه ابن ابی عمیر پس از آزادی از حفظ نقل حدیث می‌کرد (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۲۶). این نقل حدیث از حفظ می‌تواند موجب نقل به معنی شده و از این رو نسبت به نقل علی بن حکم از دقت کمتری برخوردار باشد.

۱-۲. دو روایت دوم

دو روایت دیگر کتب کافی و محاسن نیز در قید رسیدن سخن از رسول خدا (ص) با هم متفاوت‌اند. در محاسن از محمد بن مروان از امام صادق (ع) آمده است: «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ فَعَمَلْ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلَ النَّبِيِّ (ص) كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ (ص) لَمْ يَقُلْهُ»^۸.

در کافی نیز به نقل از محمد بن مروان اما این بار از امام باقر (ع) آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَعْفَرَانَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمَلْ ذَلِكَ التَّمَسُّ بِذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبَهُ وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ (ص) لَمْ يَقُلْهُ = وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ»^۹.

محمد بن مروان شخصیتی مجهول در منابع رجالی است و نامی از وی وجود ندارد. احمد بن نصر که محاسن روایت را از وی نقل کرده است کتابی دارد که

۸. امام صادق (ع): هر کس چیزی که در آن ثوابی باشد به او از پیامبر (ص) برسد و به دنبال سخن پیامبر (ص) انجامش دهد برای او آن ثواب خواهد بود هر چند پیامبر (ص) آن را نگفته باشد (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۲۵).

۹. محمد بن مروان می‌گوید شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود: هر کس ثوابی از ناحیه خداوند درباره عملی به او برسد و به دنبال آن ثواب انجامش دهد به او [آن ثواب] داده می‌شود هر چند حدیث آنچنان نباشد که به او رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۸۷).

طوسی طریق به آن را چنین بیان کرده است: «أخبرنا ... أحمد بن أبي عبدالله عن محمد بن خالد البرقي عن أحمد بن النضر الخزاز الجعفي» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۸۰). می‌تواند به این معنا باشد که برقی روایت را از کتاب احمد بن نصر در محاسن آورده است. احمد بن نصر در نزد نجاشی فردی ثقه است: «أحمد بن النضر الخزاز أبو الحسن الجعفي مولی كوفي ثقة» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۹۸).

اما روایت کافی را با توجه به سند آن می‌توان برگرفته از کتاب محمد بن سنان دانست. طوسی طریق خود به کتاب محمد بن سنان را چنین بیان کرده است: «أخبرنا به جماعه عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله و الحميري و محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين و أحمد بن محمد عن محمد بن سنان» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۰۷). عمران زعفرانی که در سند کافی وجود دارد فردی مجهول است و طوسی تنها وی را از جمله اصحاب امام صادق (ع) آورده است (همان).

مقایسه دو حدیث کافی و محاسن شباهت بالای این دو را نشان می‌دهد: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ = مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ»؛ «فَعَمَلْ ذَلِكَ = فَعَمَلْ ذَلِكَ الْعَمَلُ»؛ «طَلَبَ قَوْلَ النَّبِيِّ (ص) كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ = التَّمَسُّ بِذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبَهُ»؛ «وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ (ص) لَمْ يَقُلْهُ = وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ».

تفاوت اصلی بین این دو حدیث همان‌طور که گفته شد آمدن قید رسیدن ثواب از پیامبر (ص) در محاسن است. با توجه به شباهت بین دو متن و نقل بیشتر محمد بن مروان از امام صادق (ع) در روایات^{۱۰} محتمل است که حدیث کافی نیز از امام صادق (ع) است نه امام باقر (ع). با توجه به وضعیت رجالی احمد بن نصر در سند محاسن که نجاشی وی را ثقه دانسته است در برابر عمران زعفرانی که فردی مجهول است و همچنین

۱۰. از تعداد ۹۰ حدیث وی در کتب اربعه، ۶۲ حدیث را از امام صادق (ع) نقل کرده است (نرم افزار درایه التور).



۳. بررسی اخبار من بلغ در دیگر کتب

اخباری که در دیگر کتب حدیثی در زمره اخبار من بلغ نقل شده‌اند نیز یا از خود محاسن و کافی نقل شده‌اند یا از منابع این دو کتاب اخذ شده‌اند.^{۱۳} در کنار این اخبار، حر عاملی دو روایت آورده است که عبارت «من بلغ ثواب» یا مانند آن در آنها وجود ندارد بلکه

سخن از «وعده ثواب» شده است. اولین مورد روایتی است که صدوق از امام رضا(ع) نقل کرده است: «عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ النَّبَسَائُورِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ قَالَ (ع) وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا قَالَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ بِإِيمَانِهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَدَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَالثَّقَفِ بِهِ وَالسُّكُونِ إِلَيْ مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ...»^{۱۴}

دومین مورد نیز روایتی است که از پیامبر اکرم(ص) در محاسن و توحید صدوق گزارش شده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وَعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ تَوَابًا فَهُوَ مُنْجَرٌ لَهُ وَمَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ بِالْخِيَارِ»^{۱۵}

بررسی این دو روایت به ویژه روایت دوم نشان

۱۳. سید بن طاووس بعد از نقل حدیث هشام بن سالم در کافی می‌گوید: «ما این حدیث را در اصل هشام بن سالم از امام صادق(ع) یافتیم» (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۷۱).

۱۴. حمدان بن سلیمان بن نیشابوری می‌گوید از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عز و جل «پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای اسلام می‌گشاید» پرسیدم و امام(ع) ادامه آیه را خواند: «و کسی را که بخواهد گمراه نماید، سینه‌اش را چنان تنگ می‌کند...». سپس فرمود: هر کس که خداوند بخواهد او را در دنیا به ایمانش به سوی بهشت و دار کرامتش در آخرت هدایت کند سینه‌اش را برای تسلیم در مقابل خداوند، اطمینان به او و آرامش بدانچه از ثوابش به او وعده داده است می‌گشاید تا اینکه به سوی او آرامش یابد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۵؛ ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۲).

۱۵. امام صادق(ع) از پدرانانشان(ع) نقل می‌کنند که رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس که خداوند او را بر ثواب عملی وعده دهد برایش وفا خواهد کرد و هر که را بر عملی وعده عقاب دهد درباره‌اش مختار است [که او را ببخشد یا عذاب کند] (برقی، ۱۳۷۱ق، ص ۱، ص ۲۴۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۰۶).

با توجه به جایگاه اختلافی محمد بن سنان که در نزد نجاشی و طوسی غیر ثقه به شمار می‌رود، حدیث محاسن از اعتبار بیشتری نسبت به حدیث کافی برخوردار است؛ حدیثی که رسیدن ثواب را مقید به سخن پیامبر(ص) کرده است.

۲. بررسی طریق و متن خبر ثواب الاعمال

صدوق در ثواب الاعمال این‌گونه حدیث را نقل کرده است: «أَبِي (ره) قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هَاشِمِ بْنِ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنْ خَيْرِ فَعَمَلِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يَقُلْهُ»^{۱۱}

همان‌طور که مشاهده می‌شود ایشان از پدرشان از علی بن موسی از برقی حدیث را نقل کرده است و مقایسه متن حدیث با حدیث محاسن نیز شباهت این دو را نشان می‌دهد.^{۱۲} این حدیث نیز همچون محاسن قید رسیدن سخن از پیامبر اکرم(ص) را داراست.

۱۱. امام صادق(ع): هر کس مقداری ثواب درباره کار خوبی به او برسد و انجامش دهد آن پاداش برایش خواهد بود هر چند رسول خدا(ص) آن را نگفته باشد (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳۲).

۱۲. در انتهای سند صدوق به جای هشام بن سالم، «هاشم بن صفوان» آمده است و در دیگر کتابهایی که این روایت ثواب الاعمال نقل شده است به جای «هاشم بن صفوان»، عنوان «هشام بن صفوان» آمده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۰) یا مستقیماً حدیث را از صفوان بن یحیی از امام صادق(ع) نقل کرده‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، ج ۲، صص ۶۲۷-۱۱؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳). در بررسیها فردی به نام هاشم بن صفوان در کتب رجالی یافت نشد. نقل مستقیم صفوان بن یحیی از امام صادق(ع) نیز نادرست است زیرا که صفوان بن یحیی از یاران امام رضا(ع) شمرده شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۷؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۱). همین‌طور نقل هشام که از یاران امام صادق(ع) است از صفوان بن یحیی که در حکم شاگرد اوست عجیب است. ممکن است مراد از صفوان، صفوان بن مهران باشد که از یاران امام صادق(ع) شمرده شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۸). با بررسی اسناد روایات به غیر از روایت ثواب الاعمال تنها یک روایت یافت شد که هشام از صفوان بن مهران روایت کرده باشد (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۹۴). در طرق بیان شده به کتاب صفوان بن مهران نیز هشام بن سالم وجود ندارد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۸). از این رو احتمال اینکه سند ثواب الاعمال تصحیف شده باشد و همان طریق محاسن (عن هشام بن سالم) صحیح باشد بالاست.



می‌دهد که محتوای آنها پیرامون مسئله کلامی وعده و وعیدهای الهی است. به بیان دیگر در این روایات نوع حکم یک عمل (استحباب، حرمت و...) و پاداش یا مجازات مترتب بر آن که از طریق معتبر تعبدی یا عقلایی رسیده، مفروض است و تنها بیان می‌کند خداوند نسبت به وعده‌ها تخلف نمی‌کند؛ اما نسبت به وعیدها مخیر است. گرچه طبق دیدگاه برخی مفاد اخبار من بلغ همین است و این دو روایت مفسر سایر روایات است (دلبری، ۱۳۹۹ش)؛ اما به نظر می‌رسد این دو روایت ارتباط چندانی با اخبار پیش گفته ندارد. از این رو مناسب آن است که از این دو حدیث در جمله اخبار من بلغ بحث نشود.

بررسی گفتمانهای عصر امام صادق(ع)

در بررسی متن اخبار من بلغ روشن شد که این احادیث، شیعیان را دعوت به انجام ثوابهایی می‌کنند که از سوی پیامبر اکرم(ص) به آنها رسیده هرچند در واقع ایشان چنین توصیه‌ای نکرده باشند. حال باید بررسی گردد که چه گفتمانهایی در عصر امام صادق(ع) وجود داشته که منجر به بیان چنین اخباری شده است. در این بررسیها، سه گفتمان یافت می‌شود که می‌توان این اخبار را حاصل آنها دانست.

۱. سخنان پیامبر اکرم(ص)، تنها منبع معتبر برای اهل سنت

اولین مورد، گفتمان جایگاه سخنان پیامبر اکرم(ص) به عنوان تنها منبع معتبر برای اهل سنت است به طوری که آنها فقط احادیثی را می‌پذیرفتند که سندش به پیامبر اکرم(ص) برسد. این گفتمان بر حدیث شیعه نیز سایه افکند به طوری که شیعیان از صادقین(ع) و امامان(ع) بعد انتظار داشتند برای حفظ اعتبار جایگاهشان در میان اهل سنت سخنشان را به پیامبر(ص) برسانند. ائمه(ع) که خود متوجه این جو شده بودند گاهی کلام خود را به رسول اکرم(ص) متصل می‌کردند یا

اینکه کلام خود را کلام ایشان معرفی می‌نمودند. به عنوان مثال عبدالله بن خفقه می‌گوید ابان بن تغلب، از یاران خاص امام صادق(ع)، به من گفت: روزی بر گروهی [از اهل سنت] گذشتم که بر روایت من از امام صادق(ع) ایراد می‌گرفتند. من گفتم: «چگونه مرا سرزنش می‌کنید در حالی که چیزی از او نپرسیدم مگر اینکه گفت رسول خدا(ص) چنان فرمود» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۳).

در حدیثی دیگر، جابر بن یزید جعفی از امام باقر(ع) درخواست می‌کند که هرگاه حدیثی برایش نقل می‌کنند آن را به طور مسند بیان کنند و ایشان نیز درخواست او را اجابت می‌کنند.^{۱۶}

جابر بن عبدالله انصاری که از صحابه پیامبر اکرم(ص) است موفق به دیدار امام باقر(ع) شد و امام صادق(ع) از طریق پدرشان(ع) از وی از رسول اکرم(ص) نقل حدیث کردند. این امر بیانگر این است که مطالبه توده مردم، پذیرش احادیث به شرط انتساب آن به رسول خدا(ص) بوده است (به عنوان مثال نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳؛ ج ۳، ص ۲۳۳؛ ج ۵، ص ۵۲۸؛ ج ۸، صص ۱۴۴ و ۱۶۸؛ ابن اشعث، بی تا، صص ۲۲-۴۴)؛ زیرا امام صادق(ع) و پدرشان می‌توانستند بدون واسطه از پیامبر(ص) با توجه به جایگاه امامتشان نقل حدیث کنند.

امام صادق(ع) در حدیث دیگری بیان می‌کنند هر آنچه که ایشان و پدرانشان می‌گویند همانند یکدیگر است و قول آنها قول رسول اکرم(ص) و خداوند متعال است؛ سخنی که به نوعی تداعی کننده گفتمان مورد بحث است.^{۱۷} امام رضا(ع) نیز در حدیثی ضمن بیان

۱۶. «عَنْ جَابِرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (ع) إِذَا حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ فَأَسْنَدُهُ لِي. فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكُلِّ مَا أَخَذْتُكَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ وَقَالَ: لِحَدِيثٍ وَاحِدٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» (مفيد، ۱۴۱۳ق، ص ۲۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۹).

۱۷. «حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳).

اینکه حدیث اهل بیت (ع) موافق قرآن و سنت است می‌فرمایند ایشان از خداوند و رسولش (ص) نقل حدیث می‌کنند نه از دیگر افرادی که صلاحیت رجوع ندارند.^{۱۸}

یوزف شاخ‌ت که جایگاه بلندی در میان خاورشناسان در مطالعات حدیثی اهل سنت دارد، نظراتی دارد که به نوعی این گفت‌وگو را تأیید می‌کند. وی باور دارد که اساساً هیچ کدام از احادیث نبوی موجود واقعا به پیامبر (ص) نمی‌رسد مگر اینکه خلافتش ثابت شود. وی می‌گوید اکثر احادیث نبوی موجود، در اصل نظرات مکاتب فقهی مختلف در قرن دوم بودند که به خاطر غلبه جریان حدیث‌گرایی در جامعه ابتدا به تابعیان، سپس به صحابه و در پایان به پیامبر (ص) منتسب شدند. در واقع جامعه در آن عصر گرایش پیدا کرد که تنها سخن پیامبر (ص) را حجت می‌دانست در حالی که پیش از آن چنین نبود و دیگر آرا نیز قابل قبول شمرده می‌شد (موتسکی، ۱۳۹۴ش، صص ۲۱-۸۱).

۲. تسامح در اخبار مرتبط با سنن و فضائل در میان اهل سنت

دومین گفت‌وگو مرتبط در عصر امام صادق (ع)، گفت‌وگو تسامح در اخبار مرتبط با سنن و فضائل در میان اهل سنت است. از عبدالرحمن بن مهدی (م ۱۹۸ق)، استاد ابن حنبل نقل شده است که می‌گوید: «هرگاه ما از نبی (ص) در حلال، حرام و احکام روایت می‌کنیم در اسناد سخت‌گیری می‌کنیم و رجال سند را مورد نقد قرار می‌دهیم و هر زمان در فضائل اعمال، ثواب، عقاب، مباحات و دعاها از ایشان روایت می‌کنیم در اسناد آسان‌گیری می‌نماییم» (حاکم نیشابوری،

۱۸. «فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُوَافَقَةِ السُّنَّةِ إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نَحْدُثُ، وَ لَا نَقُولُ قَالَ فَلَانٌ وَ فَلَانٌ فَيَتَنَافَضُ كَلَامُنَا إِنْ - كَلَامٌ آخِرْنَا مِثْلَ كَلَامِ أَوْلَانَا وَ كَلَامٌ أَوْلَانَا مُضَادٌّ لِكَلَامِ آخِرْنَا، فَإِذَا أَتَاكُمْ مِنْ يُحَدِّثُكُمْ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَرُدُّوهُ عَلَيْهِ وَ قُولُوا أَنْتَ أَعْلَمُ وَ مَا جِئْتَ بِهِ! فَإِنَّ مَعَ كُلِّ قَوْلٍ مِنْهَا حَقِيقَةٌ وَ عَلَيْهِ نُورٌ، فَمَا لَا حَقِيقَةَ مَعَهُ وَ لَا نُورَ عَلَيْهِ فَذَلِكَ مِنْ قَوْلِ الشَّيْطَانِ» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۴).

۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۶۶). احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) نیز در سخنی مشابه می‌گوید: «هرگاه ما از رسول خدا (ص) در حلال و حرام، سنن و احکام روایت می‌کنیم در اسانید سخت‌گیری می‌کنیم و هر گاه از نبی (ص) در فضائل اعمال و آنچه موجب ایجاد یا رفع حکمی نمی‌شود روایت می‌کنیم آسان می‌گیریم» (خطیب بغدادی، بی تا ج ۱، ص ۱۳۴).

در منابع حدیثی اهل سنت نیز پیرامون این گفت‌وگو سخنانی از پیامبر اکرم (ص) و صحابه نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: انس بن مالک می‌گوید رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کس فضیلتی از سوی خدا برایش برسد و آن را تصدیق نکند به آن [فضیلت] نمی‌رسد».^{۱۹} از خود انس همانند این سخن بدون انتساب به رسول خدا (ص) بیان شده است با این تفاوت که در انتها گفته است «از آن ثواب در قیامت محروم می‌شود».^{۲۰} در حدیثی دیگر انس از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کند «هر کس از جانب خداوند عز و جل یا نبی (ص) فضیلتی برایش برسد، چه از من باشد چه نباشد و به آن به امید ثوابش عمل کند خدای متعال به او ثوابش را عطا می‌کند».^{۲۱} جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید رسول خدا (ص) فرمودند: «هر کس از سوی خدا فضیلتی بدستش برسد و از روی ایمان و امید ثواب به آن عمل کند خداوند آن ثواب را به او می‌دهد هر چند چنان نباشد».^{۲۲} ابن عباس نیز از رسول خدا (ص) روایت کرده است: «هر کس از جانب خدا رغبتی ببیند و به دنبال ثوابش برود خداوند پاداش آن را به او خواهد داد هر چند آن رغبت چنانکه بدستش

۱۹. عَنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ فَضِيلَةٌ فَلَمْ يُصَدِّقْ بِهَا، لَمْ يَنْهَاهَا (أَبُو يَعْلَى، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۶۳).

۲۰. «مَنْ سَمِعَ بِفَضِيلَةٍ، فَلَمْ يُؤْمِنْ بِهَا، حُرِمَ مَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن شاهین، ۴۱۵ق، ص ۵۸).

۲۱. عَنِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فَضِيلَةٌ كَانَتْ مِنْهُ أَوْ لَمْ يَكُنْ فَعَمَلٌ بِهَا رَجَاءً ثَوَابُهَا أُعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثَوَابُهَا (ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

۲۲. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَضِيلَةٌ، فَأَخَذَ بِهَا إِيمَانًا وَرَجَاءً ثَوَابُهَا، أُعْطَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ» (ابن شاهین، ۱۴۱۵ق، ص ۵۶).





رسیده نباشد، چه آن را گفته باشم چه نگفته باشم، [در هر دو صورت چنان است که] من آن را گفته‌ام»^{۲۳}. این احادیث به طور عمده در بردارنده این باورند که شخص می‌تواند به سخنان رسیده از پیامبر (ص) عمل کند هر چند ایشان در حقیقت آن را نفرموده باشد. شباهت این احادیث با اخبار من بلغ در منابع شیعی هویدا است به ویژه که طبق بررسیها روشن شد که قید رسیدن خبر از رسول خدا (ص) در روایات معتبر است نه خبر دیگر معصومان (ع).^{۲۴} صحت انتساب برخی از این اخبار به پیامبر اسلام (ص) نفی شده است؛ به عنوان مثال ابن جوزی، حدیثی که از جابر از رسول خدا (ص) نقل شد را از جمله موضوعات می‌داند و می‌گوید: «این حدیثی است که از ناحیه رسول خدا (ص) صحیح نمی‌باشد» (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۵۸). این شواهد می‌تواند نشان دهنده این باشد که این جمله احادیث در همان قرن دوم نشر یافته باشند.

۳. زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان در کنار اهل سنت
سومین و آخرین مورد، گفتمان زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان در کنار توده اهل سنت و یا همان «تقیه مداراتی» است. روایات زیادی از سوی امامان شیعه به خصوص امام صادق (ع) بیان شده است که در آن چگونگی برخوردهای اجتماعی شیعیان با اهل سنت و نحوه مدارا و تقیه با آنان گوشزد شده است و خود ائمه (ع) نیز تا جایی که امکانش وجود داشت پیش از همه به این توصیه‌ها جامه عمل می‌پوشاندند. حضور در مساجد اهل سنت، حضور در تشییع جنازه آنها، عیادت از بیمارانشان، شهادت دادن به نفعشان و برگرداندن امانتشان از توصیه‌های امام صادق (ع) به شیعیان است.

۲۳. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ رَغْبَةً، فَطَلَبَ نَوَائِبَهَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَهَا، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ الرَّغْبَةُ عَلَى مَا بَلَغَهُ، فَلْتَهُ أَوْ لَمْ أَقْلَهُ فَأَنَا قُلْتُهُ» (ابن شاهین، ۱۴۱۵ق، ص ۵۸).

۲۴. نکته دیگری که این احادیث دارا است عباراتی همچون «رجاء» یا «مید ثواب» است که مشابه ادبیات قائلین به تسامح در ادله سنن در میان عالمان شیعه است، گویی که چنین دیدگاهی در میان ایشان متأثر از چنین گفتمانی در میان اهل سنت است.

معاویه بن وهب می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم چگونه برای ما شایسته است تا با قوم و دوستان خود که همچون ما شیعه نیستند برخورد کنیم. امام (ع) در پاسخ فرمودند: «به امامانی که به آنها اقتدا می‌کنید نظر کنید و هر آنچه آنان انجام می‌دهند انجام دهید که به خدا سوگند که آنها از بیمارانشان عیادت می‌کنند، در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند، به سودشان شهادت می‌دهند و امانتشان را باز می‌گردانند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۴).

حبیب خثعمی نیز می‌گوید شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: «بر شما است ورع و تلاش، در تشییع جنازه حاضر شوید، بیماران را عیادت کنید و با قومتان در مساجدشان حاضر شوید و برای مردم دوست بدارید آنچه را برای خود دوست می‌دارید. آیا فردی از شما شرم نمی‌کند که همسایه‌اش حقش را بشناسد اما خود، حق همسایه‌اش را نشناسد؟» (همان). در حدیث دیگری علاء بن رزین می‌گوید از امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) درباره جمهور مردم که اهل سنت بودند پرسش کردم. امام (ع) در پاسخ گفتند آنها امروز در صلح‌اند، گمشده‌شان بازگردانده می‌شود، امانتشان ادا می‌شود، جانشان در امان است و ازدواج و ارث بردن شما از آنان و آنان از شما در این زمان جایز است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۷۲).

در حدیث دیگری که به فضای بحث این پژوهش مربوط تر است امام صادق (ع) توصیه به جذب دیگر مسلمانان به سوی خود از طریق بیان معارفی که آنان قبول دارند و کتمان اموری که نمی‌پذیرند می‌کنند: «رحمت کند خدا بنده‌ای را که دوستی مردم را به سوی خود جلب کند؛ با آنان به آنچه می‌شناسند سخن گوید و آنچه را منکر می‌شمارند از ایشان پنهان دارد»^{۲۵}. در اینجا ممکن است سؤالی ایجاد شود و آن وجود اخباری است که در آن شیعه دعوت به اخذ آنچه مخالف عامه است شده است (ر.ک. به: حر

۲۵. «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ حَدُّوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ اسْتُرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۲).

عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۰۶، بَابُ وُجُوهِ الْجَمْعِ بَيْنَ الْأَحَادِيثِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ كَيْفِيَّةِ الْعَمَلِ بِهَا). دقت در این اخبار نشان می‌دهد که آنها محدود به زندگی شخصی شیعیان یا شرایط غیر ضروری اند نه در جایی که زندگی و جان شیعیان به خطر می‌افتند.

اخبار من بلغ، حاصل سه گفتمان

روی هم رفته می‌توان گفت اخبار من بلغ حاصل این سه گفتمان است. به این بیان که در عصر امام صادق (ع) تنها مرجع معتبر برای اهل سنت سخن پیامبر (ص) بوده است به نحوی که عالمان اهل سنت در فضائل و سنن به سخنی که تنها منتسب به پیامبر (ص) بود و سند موثقی نداشت نیز اعتنا می‌کردند. این جایگاه سخن پیامبر (ص) به گونه‌ای بود که امام صادق (ع)

برای اعتبار یافتن شیعه در میان اهل سنت، گاهی سخنان خود را به پیامبر اکرم (ص) می‌رساندند یا اینکه می‌فرمودند هر آنچه ما می‌گوییم از آن پیامبر (ص) است. از سوی دیگر روایاتی وجود دارند که در آنها شیعیان به مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز با اهل سنت امر شدند و خود امامان (ع) پیش از همه به این مسئله توجه داشتند.

قید «بَلَّغَ عَنِ النَّبِيِّ» در اخبار من بلغ، شیعیان را دعوت به انجام آنچه می‌کند که از پیامبر اکرم (ص) رسیده است یعنی همان معیاری که ملاک اصلی در پذیرش خبر در میان اهل سنت بود. عمل شیعیان به آنچه در میان اهل سنت محترم شمرده می‌شود نتیجه‌ای جز همزیستی مسالمت‌آمیز ایشان با اهل سنت ندارد.^{۲۶}

۲۶. احتمال دیگری برای صدور این اخبار متصور است. این احتمال آن است که سبب صدور این اخبار را گفتمان اختلاف و جعل روایات بدانیم. توضیح بیشتر اینکه با توجه به چنین گفتمانی، برای شیعیان در آن زمان بسیار ممکن بود احادیثی که از ناحیه معصومان (ع) برایشان نقل می‌گردید را رد کنند، از این رو در روایات به آنان توصیه شد که اگر خبری منتسب به اهل بیت (ع) به ایشان ابلاغ شد که تحمل آن برایشان دشوار است آن را رد نکنند زیرا که ممکن است آن سخن حقیقت داشته باشد و آنها با رد آن از ولایت اهل بیت (ع) خارج شوند. محمد بن صفار در بصائر الدرجات بابی تحت عنوان «بَابُ فِيمَنْ لَا يَعْرِفُ الْحَدِيثَ فَرَدَّهُ» گشوده و پنج حدیث را نقل کرده است که برخی از آنها در دیگر منابع حدیثی همچون کافی نیز وارد شده است. در حدیث اول این باب که با اندک تفاوتی در کافی نیز آمده است امام باقر (ع) می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین اصحاب نزد من کسی است که پرهیزگارترین، فقیه‌ترین و کتمان‌کننده‌ترین آنها نسبت به احادیث ما باشد و بدترین اصحاب در نزد من کسی است که هرگاه حدیثی را بشنود که منتسب به ما است آن را باور نکرده، بدش بیاید و انکار ورزد و بدین وسیله از ولایت ما خارج شود زیرا که شاید آن حدیث از ناحیه ما صادر شده باشد» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۳۷). در حدیث دوم امام صادق (ع) می‌فرماید خداوند بندگان را بین دو آیه محصور کرده است: «اینکه چیزی را نگویند مگر اینکه آن را بدانند و اینکه رد نکنند آنچه را که نمی‌دانند». سپس امام این دو آیه را تلاوت فرمودند: «أَلَمْ لَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ...؛ آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا دروغ نیندند، (و جز حق نگویند) (اعراف، ۱۶۹)؛ «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ

يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلَهُ...؛ (ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است» (یونس، ۳۹) (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۳۷). در حدیث سوم که این مسئله با جزئیات بیشتری مطرح شده است امام (ع) به فردی که از دشواری تحمل برخی اخبار سؤال می‌کند می‌فرماید اگر سخنی از سوی ما نقل می‌شود که روز را شب و شب را روز جلوه نمی‌دهد - یعنی محتوایش چنین متناقض نیست - و شما تاب قبولش را ندارید، آن را به سوی ما بازگردانید که اگر آن را تکذیب کنید ما را تکذیب کرده‌اید (همان). دو حدیث دیگر این باب نیز شیعیان را از تکذیب احادیثی که از ناحیه اهل بیت به آنها رسیده است نهی می‌کند. صفار در حدیث دیگری خارج از این باب از داوود بن فرقد فارسی نقل می‌کند که به امام هادی (ع) نامه‌ای نوشتم و از ایشان درباره احادیث منسوب به اهل بیت (ع) که با هم اختلاف دارند پرسش کردم. امام (ع) در پاسخ فرمودند: «آنچه علم دارید سخن ما است به آن ملتزم باشید و آنچه را چنین نمی‌دانید به سوی ما برگردانید» (همان، ص ۵۲۵). با تأمل در این احادیث روشن می‌شود که تناسبی مابین آنها و اخبار من بلغ نیست، زیرا که در این اخبار شیعیان نسبت به احادیثی که منسوب به معصومان (ع) است و طاعت پذیرشش را ندارند دعوت به توقف و سکوت شده‌اند؛ اما در اخبار من بلغ دعوت به عمل گشته‌اند. از این گذشته ظاهر بیشتر اخبار این باب اشاره به مسائل اعتقادی درباره اهل بیت (ع) دارند بر خلاف اخبار من بلغ که درباره اعمال و عبادات وارد شده است. از این رو سه گفتمان پیش گفته می‌تواند علت روشن تری برای صدور اخبار من بلغ محسوب شوند.



نتیجه‌گیری

میان اهل سنت»، «تسامح در اخبار مربوط به سنن و فضائل در میان اهل سنت» و «زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان در کنار اهل سنت» است. با توجه به سه گفتمان بالا به نظر می‌رسد این اخبار در جهت مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان با اهل سنت صادر شده باشند.

بررسی طرق و رجال سند، اعتبار احادیث کتاب محاسن نسبت به کتاب کافی را نشان می‌دهد. در محاسن، ثواب بر انجام عمل مقید به رسیدن آن ثواب از سوی رسول خدا(ص) شده است. می‌توان گفت «اخبار من بلغ» حاصل سه گفتمان «جایگاه سخن پیامبر(ص) به عنوان تنها منبع معتبر دینی در

کتابنامه

- قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی). (۱۳۷۳ش). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا). الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- همو (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالشریف الرضی.
- همو (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا(ع). تهران: جهان.
- همو (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۸۶ق). الموضوعات. مدینه: المکتبه السلفیه.
- ابن حبان، محمد بن حبان (۱۳۹۶ق). المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین. حلب: دارالوعی.
- ابن شاهین، عمر بن احمد (۱۴۱۵ق). شرح مذاهب أهل السنة و معرفة شرائع الدین و التمسک بالسنة. ریاض: مؤسسه قرطبه.
- ابن طاووس، سید عبدالکریم بن احمد (بی‌تا). فرحة الغری فی تعیین قبر أميرالمؤمنین علی بن
- أبی طالب(ع) فی النجف. قم: منشورات الرضی.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۳۷۶ش). الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- همو (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: بوستان کتاب.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). عدة الداعی و نجاح الساعی. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- أبویعلی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق). مسند أبی یعلی. دمشق: دارالمأمون.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴ق). رسائل فقیهیه. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- همو (۱۴۲۸ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). الفصول المهمه فی أصول الأئمه. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).
- همو (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البتی(ع) لإحياء التراث.



- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). رجال العلامه الحلی. نجف: دارالذخائر.

- خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا). الکفایه فی علم الروایه. مدینه: المکتبه العلمیه.

- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳ق). تهذیب الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الأصول. قم: کتاب فروشی داوری.

- دلبری، سید علی (۱۳۹۹ش). درس خارج اصول. قم: سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق). الرسائل الأربع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- شهیدی پور، محمدتقی (۱۳۹۵ش). درس خارج فقه.

- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).

- کریمیان، محمود (۱۳۹۷ش). اعتبارسنجی و مفهوم شناسی احادیث «من بلغ». حدیث حوزه،

(۱)، ۷-۲۱.

- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی. مشهد: دانشگاه مشهد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الامالی. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). انوار الأصول. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

- موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ش). ارزیابی تاریخ گذاری احادیث. تاریخ گذاری حدیث: روشها و نمونهها (ترجمه جمعی از مترجمان به کوشش سید علی آقایی). تهران: حکمت.

- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- Mikics, David (2007). *A New Handbook of Literary Terms*. Connecticut: Yale university press.

- Tyson, Lois (2015). *Critical Theory Today, A User Friendly Guide*. Oxford shire: Routledge.

- Vesser, Harold (1989). *The New Historicism*. Oxford shire: Rutledge.

